info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۶۲۰
سه‌شنبه / ۱ آبان / ۱۴۰۳
۱۸ ربیع‌الثانی / ۱۴۴۶
22 / October / 2024

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان قدسیه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

نسیم بادِ صبا دوشم آگهی آورد
که روز محنت و غم رو به کوتهی آورد
به مُطربان صَبوحی دهیم جامه چاک
بدین نوید که بادِ سحرگهی آورد

غزل

فسردگی بسکون خوب
نیست عاشق را
چو نیض باید پیوسته
اضطراب کند

کلیم

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۵۴	۰۶:۲۰	۱۱:۵۱	۱۷:۲۰	۱۷:۳۸

فرگه

آموخته‌هایم از زندگی را در ۳ کلمه خلاصه می‌کنم: زندگی ادامه دارد...

رابرت فراست

دیدگاه

یک فنجان آب خنک

اتحادیه اروپا در رفتاری غیرمعمول و کم‌سابقه از ادعای ارضی امارات متحده عربی درباره جزایر کاملاً ایرانی و تاریخی ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ حمایت کرد. پیش از این، چین و روسیه نیز رفتار مشابهی از خود بروز داده بودند. بدیهی است که امارات متحده عربی از هیچ توان و امکانی برای اثبات یا تحمیل خواست خود بر ایران برخوردار نیست و جامعه بین‌الملل هم فاقد مستندات حقوقی برای پیگیری چنین درخواست و ادعایی است. حال این پرسش پیش می‌آید که امارات متحده عربی با چه هدف و انگیزه‌ای این طرح را دنبال می‌کند و در سوی مقابل، قدرت‌هایی چون اتحادیه اروپا، روسیه و چین با چه هدف و انگیزه‌ای در این بازی مشارکت می‌کنند؟

به گزارش پیام آشنا نقل از هم‌میهن، اتحادیه اروپا در رفتاری غیرمعمول و کم‌سابقه از ادعای ارضی امارات متحده عربی درباره جزایر کاملاً ایرانی و تاریخی ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ حمایت کرد. پیش از این، چین و روسیه نیز رفتار مشابهی از خود بروز داده بودند. بدیهی است که امارات متحده عربی از هیچ توان و امکانی برای اثبات یا تحمیل خواست خود بر ایران برخوردار نیست و جامعه بین‌الملل هم فاقد مستندات حقوقی برای پیگیری چنین درخواست و ادعایی است. حال این پرسش پیش می‌آید که امارات متحده عربی با چه هدف و انگیزه‌ای این طرح را دنبال می‌کند و در سوی مقابل، قدرت‌هایی چون اتحادیه اروپا، روسیه و چین با چه هدف و انگیزه‌ای در این بازی مشارکت می‌کنند؟

امارات متحده عربی دولتی فاقد هویت تاریخی است، اما به دلیل موقعیت جغرافیایی، حمایت قدرت‌های موثر جهانی و مدیریت تعاملی با این قدرت‌ها و شیوه حکمرانی متناسب با موقعیت و شرایط خود هم به ثروت فراوانی دست یافته است و هم به نقطه اتکای قدرت‌های جهانی تبدیل شده است. حاکم کنونی این امارت با ایجاد انسجام درونی و تدوین یک برنامه درازمدت برای توسعه عملاً به دو مولفه اساسی از سه مولفه تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای دست یافته است: ثروت و توسعه اقتصادی.

اما مولفه سوم که «هنیت پایدار» است، زمانی ایجاد می‌شود که امارات بتواند هویت تاریخی و سرزمینی خود را تثبیت کند که عملاً این چالش بزرگ به‌راحتی قابل حل نیست. امارات نه‌تنها چشم‌داشتی به خاک ایران دارد، بلکه با عربستان، قطر و عمان نیز مشکلات و چالش‌های سرزمینی دارد و فرار از آن، مدت‌هاست که می‌کوشد حتی در حیاط خلوت عربستان یعنی یمن هم حضور داشته باشد.

اما اینکه امارات بیش از هرچیز دیگر روی جزایر ایرانی متمرکز شده است، به چند علت مشخص و روشن است:

۱- چالش با ایران در حال حاضر هم نوعی قدرت‌طلبی است و هم ماهیت. امارات در حفظ اقتصاد پویای خود که بر تجارت و واسطه‌گری بنا شده، به ادامه وضعیت تنش‌آلود ایران با غرب نیاز دارد. اگر به هر دلیلی این معادله به هم بخورد، بخش زیادی از مزیت تجاری امارات عملاً از دست می‌رود در شرایط رابطه تنش‌آلود غرب و ایران، امارات یکی از دو کریدور اصلی تجارت و معاملات پولی و اقتصادی ایران است و همین امر ایران را وامی‌دارد که با امارات کج‌دار و مریز برخورد کند.

۲- ادعای ارضی امارات به جزایر سه‌گانه نوعی اجرای یک ماموریت است که از سوی اروپا و آمریکا پیگیری می‌شود و هدف آن نیز کاملاً مشخص است که دوسویه مهم، آن یکی، ملغ‌تراشی برای ارتقای روابط ایران با همسایگان جنوبی و دیگری، استفاده از آن به‌عنوان یک اهرم فشار است.

۳- امارات با پیگیری این سیاست عملاً با سیاست منطقه‌ای اروپا و آمریکا در فشار به ایران همراهی می‌کند و این همراهی به‌نوعی با حفظ توازن سیاسی در منطقه مرتبط است. علی‌القاعده نباید موضوع تنش ارضی ایران و امارات را صرفاً یک اختلاف ارضی میان دو کشور دانست، بلکه این موضوع تابعی از مجموعه سیاست‌ها، برنامه‌ها و چالش‌هایی است که میان ایران و غرب وجود دارد که تاسیس اسرائیل و روابط ایران و آمریکا محور اصلی آن است. تا زمانی که درباره افق روابط ایران با مجموعه غرب یعنی آمریکا و اروپا دورنمای روشنی وجود نداشته باشد، اهرم‌های فشار و تهدید در سطوح و دوره‌های زمانی مختلف وجود خواهد داشت.

در بزیست باقی ماندن روابط با غرب، موجب استمرار فشار بر ایران و ادامه تحریم‌ها خواهد شد. این دو مولفه (یعنی تحریم و فشار) جزئی مهم از سیاست غرب است که هدف آن، سوق دادن ایران به سمت معامله‌ای با سود اندک برای ایران است. درست است که در مقطع کنونی توانایی نظامی و از همه مهمتر عزم ملی ایران در دفاع از تمامیت ارضی، ادعاهای امارات متحده عربی را به خوردن یک فنجان آب سرد در گرمای نیروز کویر تشبیه کرده است که هیچ نیازی را برآورده نمی‌کند؛ اما باید به اینده فکر کرد و زمینه‌ها و بستر چنین چالش‌هایی را از بین برد. ایران با هر توانی قادر به تحمل مستمر فشار و تحریم نخواهد بود و تقابل با جهان باید به تعامل تبدیل شود و بار پیشبرد این هدف به دوش هم تصمیم‌گیرندگان نهایی است و هم به عهده دستگاه دیپلماسی کشور.

رویکرد کنونی دولت امیدوارکننده و درست است، اما کندی تبادل دیپلماتیک بین ایران و مجموعه غرب تاحدودی به ضرر ماست. چون تصمیم‌گیری را دشوار و اجرای آن را مشکل‌تر می‌کند. دستگاه دیپلماسی کشور فاقد یک ابتکار عملی و روشن است و همین امر سیاست تعامل با جهان را تا حدودی در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

مجیدبونسیان
روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

گزارش روز

آن پرچم سه‌رنگ بر فراز جزایر سه‌گانه ایرانی

دیرینگی و ریشه‌داری ایران درباره جزایر سه‌گانه پاره‌تن وطن از دیرزمان هخامنشی تاکنون بر هیچ محقق بی‌طرف و اندیشه‌ورز دیرزاندیشی پوشیده نیست. پیشینه تاریخی تعلق جزایر سه‌گانه به دولت ایران و اعلام اقتدار و حاکمیت ایران بر این جزایر از دیرباز تعلق این جزایر را نه‌فقط در نقشه‌های چاپشده از سال ۱۸۸۷ به بعد بریتانیا که جزیره ابوموسی و دو تنب با رنگ پرچم ایران مشخص شده است، بلکه در همه اسناد و مدارک پیشینی نیز محرز است و با وجود موضع غلط و عملی فعلی انگلستان نیز همواره تا ابتدای قرن بیستم میلادی جزایر سه‌گانه را متعلق به ایران می‌دانسته‌است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شرق، ۱. زنهار که نداند ما ایرانیان از تبار شاهنامه‌ایم و با عشق وطن آمیخته‌ایم. از نسل کاوه ضحاک‌کش و نیاکانی وفاپیشه که فردوسی بزرگ می‌گوید: «دو گفت: گر دشمن آید پدید، تو را تیغ کینه باید کشید.» آنها که تا پای جان پای وطن‌اند: «ـــپارم تو را من شوم ناپدید، جز از تیغ جان را ندارم کلید.» آنها که آماده برای دفاع از مادر میهن‌اند که «همه بر سر مرزها بایستند، نه بجوشید شمشیرها در نیام بازی خوی ایرانی صلح‌دوست و مهرآور و مدارگر است و همواره «چه داد تو شد بسته دست بدی، به گرزت گشاده ره ایزدی.» اما آنگاه که پای وطن در میان است، تاریخ ایران و ایرانی سندی است که ایرانی پای مام میهن چگونه می‌ایستد و آن جزایر مألوف همیشه پارسی ۸۵ میلیون جمعیت و ۸۵ میلیون جفت چشم دل‌نگران دارد که «چنین گفت با سرفرازان رزم، که ما سر نهادیم یکسر به بزم».

۲. در کتاب قدرت برتر قد راسل مناسبات جهان حول محور قلدری و اقتدارجویی تبیین می‌شود. هر که قلدرتر و از قدرت بهره‌مندتر، موجبتر و مشخص‌تر را و تأکید دارد اگر مارکس حرکات جامعه را حول محور ثروت می‌انگارد یا اگر فروید منشأ شهوت را محرک جماعت می‌شناسد، نیروی قدرت به نحوی اقناع‌گر میدان‌دار همه مناسبات است. قدرت از نظر مارکس وبر، اقتدار تحمیل اراده خود بر دیگران است.

حال باید توجه کرد در جهان نابرابر برخی قدرت‌ها با نزدیک‌شدن به هم و تعریف منافع مشترک سعی در اعمال نظر خود بر دیگران دارند، اما اینکه این مابور چقدر مشروع و اخلاقی و عادلانه و شرافتمندانه است، محل تعلیل و تأمل است.

۳. حال تجزیه‌وتحلیل وقایع در برهه کنونی کار شگرفی نیست. ترازدی قدرت در منطقه خاورمیانه متشوری چندضلعی است که با وقایع یک سال اخیر بی‌رابطه نیست. ایران پای مظلومیت فلسطین ایستاده و قدرت‌ها هم با هم بستاند. با جمعی از دنبالهای رسانه‌ای که دروغ و تزویر را سر دست گرفته‌اند، معانی را تغییر می‌دهند و حقایق را در سطحی وسیع دست‌کاری می‌کنند. امروز همه‌چیز مثل روز روشن است اما به عمد گاوی کسانی بر اختلاف گشوده می‌شود که آشفتگی و تفرقه را رامبرد تأمین منافع نامشروع خود در منطقه می‌دانند.

۴. جهان تلخ ما در گیرودار هنگامه‌ای است که همه آنش تزور و خشونت و صلح‌ستیزی و سلاحی حقوق بشر به دست یک رژیم اشغالگر علیه مردمی بی‌دفاع اعم از کودک و زن به خاک‌وخون کشیده شده است. طرح موضع صلح‌شکن و تنش‌زای مالکیت دروغین جزایر سه‌گانه ایرانی توسط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس پیام‌های معناداری دارد!

۵. دیرینگی و ریشه‌داری ایران درباره جزایر سه‌گانه پاره‌تن وطن از دیرزمان هخامنشی تاکنون بر هیچ محقق بی‌طرف و اندیشه‌ورز دیرزاندیشی پوشیده نیست. پیشینه تاریخی تعلق جزایر سه‌گانه به دولت ایران و اعلام اقتدار و حاکمیت ایران بر این جزایر از دیرباز تعلق این جزایر را نه‌فقط در نقشه‌های چاپشده از سال ۱۸۸۷ به بعد بریتانیا که جزیره ابوموسی و دو تنب با رنگ پرچم ایران مشخص شده است، بلکه در همه اسناد و مدارک پیشینی نیز محرز است و با وجود موضع غلط و عملی فعلی، انگلستان نیز همواره تا ابتدای قرن بیستم میلادی جزایر سه‌گانه را متعلق به ایران می‌دانسته‌است.

۶. از سوی دیگر، نزدیکی جزایر مورد اختلاف به ساحل و سایر جزایر ایرانی نیز با عنوان اصل تجارت سرزمینی قابل طرح است همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری این مبنا را در اختلاف میان فرانسه و انگلستان درباره جزایر uecrehou و Uminqires که نزدیک ساحل فرانسه واقع شده‌اند، مورد تأیید قرار داده است.

۷. اظهارنظر و حمایت اتحادیه اروپا در مسئله حاکمیت جزایر سه‌گانه مصداق بارز دخالت در تمامیت ارضی ایران و برخلاف بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد است. همچنان که در اصول مختلفی همچون ماده ۸ کنوانسیون مونت ویدئو درباره حقوق و وظایف دولت‌ها و رأی دیوان بین‌الملل دادگستری در قضیه نیکاراگوئه در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۶ هر نوع مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر را صریحاً منع و محکوم کرده است.

۸. از سوی دیگر بررسی حقوقی این مواضع نشان می‌دهد که در اصل ادعای انگلستان و امارات مبنی بر اشغالگری جزایر از جانب ایران غیرقابل طرح و غیرقابل قبول در مجامع حقوقی است؛ زیرا در حقوق بین‌الملل اصلی با عنوان اصل (اظهارات متناقض قابل استماع نیست) وجود دارد که طبق آن دولت انگلستان نمی‌تواند از یک سو در تمامی گزارش‌ها و نقشه‌های رسمی خود حاکمیت ایران را تأیید کند، از سوی دیگر آن را بی‌اعتبار جلوه‌دهد.

۹. به قول وزیر محترم خارجه، رویکرد «اختلاف آفرینی و حکومت کن» مشی تاریکی است که رسوایی آن در عرصه جهانی بارها به اثبات رسیده و سزاوار است کشورهای همسایه ایران با توجه به ریشه‌ها و پیشینه‌ها از اقتدار در ورطه سیاست‌های استعماری اجتناب کنند و با هوشمندی و موقع‌شناسی دوست و دشمن واقعی در منطقه را تمایز بخشند.

۱۰. وجدان جامعه آزاد و شرافتمند باید نسبت به یاداوری حقوق و تکالیف و مسئولیت‌های بین‌المللی دلالت کنند و سیاستمداران را از موضع‌گیری‌های مداخله‌جویانه ناقض حقوق بین‌الملل و برخلاف عدالت بر حذر دارند. جهان با صلح و عدالت و متکی بر احترام به حقوق زیباتر و دوست‌داشتنی‌تر خواهد بود. احترام به حقوق بین‌الملل بر پایه مشروعیت بین‌المللی و توجه به ملاکیت و حاکمیت دولت‌ها متکی بر اسناد و مدارک معتبر تاریخی نقطه عزیمت صلح و همگرایی برای جهانی عادلانه‌تر است. توجه کنیم که سلطه‌گر همیشه درصدد توجیه باطل و ظلم خود است، اما خرد جهانی و مطالبه وجدان‌های بیدار است که خوی تعدی و گردن‌کشی را نرم و رافیار می‌سازد. فردوسی یادمان داده که چنین در صلح پایدار باشیم و بر حق و داد استوار که:

«ز ما باد بر جان آن کس درود/ که داد و خرد باشدش تار و پود».

صالح‌نقوه‌کار

اشاره

به نام صلح طلبی، به کام اسلحه سازی

بحران اوکراین و در ادامه نیز جنگ غزه وضعیتی را برای ایالات متحده آمریکا به وجود آورد که این کشور بتواند بالاترین نفع را برای خود کسب کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از بصیرت، درحقیقت برتری سیاسی اقتصادی آمریکا بر جهان، زاده یک بحران بزرگ جهانی است. جنگی که بخش عمده‌ی زیرساخت‌های اروپا را از بین برد و نیروی انسانی تخیه و ثروت هایش را به جامعه و اقتصاد آمریکای امن آن سوی اقیانوس تزریق کرد. بنابراین آمریکا دولتی بحران‌زا و بحران زیست است و به نوعی حیات خود را در بحران آفرینی در جهان می‌بیند تا به نوعی از آن ارتزاق کند. بحران اوکراین و در ادامه نیز جنگ غزه وضعیتی را برای ایالات متحده آمریکا به وجود آورد که این کشور بتواند بالاترین نفع را برای خود کسب کند. بررسی تاریخی سیر قدرت نمایی آمریکا نشان می‌دهد که قدرت این کشور تابعی از بحران‌های جهان بوده است. به طوری که ایالات متحده آمریکا در طول ۱۶۰ سال حیات مستقل خود از ۱۷۸۱ تا پیش از پایان جنگ جهانی دوم، قدرتی متوسط در آن سوی اقیانوس بود.

قدرتی که در برابر ابرقدرت‌هایی چون بریتانیا، فرانسه و روسیه حرف چندانی برای گفتن نداشت. دلیل تبدیل شدن آمریکا به یک قدرت بلامنازع جهانی، وقوع یک بحران بود، بحرانی به نام جنگ جهانی دوم. درحقیقت برتری سیاسی اقتصادی آمریکا بر جهان، زاده یک بحران بزرگ جهانی است. جنگی که بخش عمده‌ی زیرساخت‌های اروپا را از بین برد و نیروی انسانی تخیه و ثروت‌هایش را به جامعه و اقتصاد آمریکای امن آن سوی اقیانوس تزریق کرد.

آمریکا که در امنیت به سر می‌برد، از جا ماندن اروپا از قافله‌ی پیشرفت، نهایت استفاده را برد و با استفاده از تجمیع ثروت و نخبگان و راه انداختن امپراتوری دلار، روز به روز بر ثروت خود افزود.

در شرایط کنونی نیز که شاهد جنگ تمام صهیونیستی در منطقه هستیم، نباید از آمریکا انتظار مدیریت جنگ و متقاعد سازی صهیونیستها به سمت آتش بس را داشته باشیم، برخلاف تصور عده‌ای، به نظر می‌رسد که ایالات متحده بازیگر اصلی جنگ رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین و لبنان می‌باشد.

اظهارات تحریک آمیز متعدد آمریکایی‌ها در حین جنگ غزه مبنی بر حمایت از ماشین جنگی رژیم صهیونیستی و همچنین تاکید فراوانشان بر عدم ورود مستقیم به جنگ نشان دهنده تمایل پلکی‌ها به تداوم ناامنی و جنگ و ترور در منطقه‌می‌باشد.

بررسی نحوه ترور سید حسن نصرالله نشان می‌دهد که رهبر حزب‌الله لبنان در حالی به شهادت رسید که سلاح، نقشه عملیات و فرماندهی میدان کاملاً با آمریکایی‌ها بوده است که با ترور، سید مقاومت تلاش کردند اتفاقی که در غزه رخ داده و نزدیک به یک ۵۰ هزار فلسطینی به شهادت رسیدند، در لبنان نیز رخ دهد. از طرف دیگر تداوم جنگ و بحران در غرب آسیا باعث فعال شرکت‌های اسلحه سازی در آمریکا می‌شود.

در همین زمینه مرکز مطالعاتی "ریسپانسیبل استیت کرفت" در گزارشی عنوان کرد. "شرکت‌های تسلیحاتی آمریکایی در نتیجه فاجعه‌ای که رژیم صهیونیستی در لبنان و غزه به وجود آورده است، سود کلانی به جیب می‌زنند." در واقع پشت پرده این فاجعه در فلسطین و لبنان سرمایه‌گذارانی هستند که از سهام شرکت‌های اسلحه سازی آمریکایی سودهای کلان و بی سابقه‌ای به دست می‌آورند و عملکرد قابل توجهی در شاخص‌های اصلی بورس دارند. جنگ‌های فاجعه بار اسرائیل در غزه، کرانه باختری و اکنون در لبنان و تجاوزات وحشیانه این رژیم فراتر از تمامی موازین انسانی و قوانین بین‌المللی است و سپاه پاسداران ایران را بر آن داشت پس از ترور رهبران مقاومت شهید اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس و شهید سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله با حملات گسترده علیه اسرائیل تأسیسات نظامی اسرائیل را قرار قرار دهد.

گرچه هیچ یک از اهداف نظامی اسرائیل در یک سال گذشته و پس از تجاوز به غزه و لبنان محقق نشده است، اما دولت جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا بخش عمده‌ای از سلاح را با حادن وعده های دروغین آتش بس قریب الوقوع سپری کرد و مدعی شد، بی سر و صدا از اسرائیل می خواهد علاقه بیشتری به حفاظت از جان غیرنظامیان نشان دهد. اما واقعیت با آنچه اعلام شده، متفاوت است. به اعتراف رسانه های غربی ایالات متحده میلیاردها دلار سلاح در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد تا از آنها برای کشتار غیرنظامیان در فلسطین اشغالی و لبنان استفاده کند. اعطای پول مالیات‌دهندگان آمریکایی به رژیم اشغالگر اسرائیل سوختی بود که سود سهام مذکور را به سطح بی‌سابقه‌ای رساند.

در گزارش مرکز مطالعاتی "ریسپانسیبل استیت کرفت" آمده است: "لاکهید مارتین، بزرگترین شرکت تسلیحاتی جهان که جنگنده‌های اف-۳۵ تولید می کند و اسرائیل از آنها برای بمباران افراد بی گناه غزه و لبنان استفاده کرده است، در یک سال به بازدهی کل ۵۴۸۶ درصدی دست یافت که تقریباً از بزرگترین شاخص سهام یعنی ۱۸ درصد پیشی گرفت. این یعنی سرمایه‌گذاری ۱۰ هزار دلاری در این شرکت بازدهی کل ۵ هزار و ۴۸۶ دلاری به همراه خواهد داشت، در حالی که سایر سهام قوی تنها ۳ هزار و ۶۸۹ دلار بازدهی دارند."

همچنین براساس داده‌ها سود حاصل از تجارت تسلیحات مرگ تنها به شرکت مذکور محدود نمی‌شود، پس از آن شرکت ریتیان (Raytheon) دومین شرکت بزرگ تسلیحاتی جهان است که در ساخت بمب‌های مخفی بزرگ تخصص دارد؛ بمب‌هایی که اسرائیل از آنها در مناطق ممنوعه و با تراکم جمعیتی بالای غیرنظامیان از جمله در غزه و لبنان استفاده کرده که به کشته شدن غیرنظامیان بی‌گناه زیادی که بیشترشان زنان و کودکان هستند، منجر شده است. سهام شرکت ریتیان بازدهی فوق‌العاده‌ای را برای سرمایه‌گذاران به دست آورد و نسبت به قوی‌ترین سهام بازار تا حدود ۴۶ درصد عملکرد بهتری داشت؛ این یعنی سرمایه‌گذاری ۱۰ هزار دلاری در شرکت بازدهی سالانه ۸ هزار و ۲۶۹ دلاری به همراه دارد.

شرکت جنرال دینامیکس که بمب‌های سنگرشکن تولید می‌کند و اسرائیل از آنها در ترور شهید سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان استفاده کرد، نسبت به دو شرکت قبلی با بازدهی کلی حدود ۳۷ درصد برای سرمایه‌گذاران به سود کمتری دست یافت."

در حالی که سود بردن از جنگ ممکن است برای برخی نهادند باشد، تحلیلگران در بانک‌های سرمایه‌گذاری بزرگ از مدیران شرکت‌ها خواسته بودند در جنگ‌های اسرائیل در غزه و لبنان سرمایه‌گذاری کنند. یک سال پس از جنگ اسرائیل در غزه و لبنان، فلسفه نگرش این تحلیلگران مشخص شد؛ در این راستا جنگ اسرائیل با ضمانت کاخ سفید که در تضاد با درخواست آتش بس ریاکارانه آن‌هاست، همچنان با اعطای اسلحه و پول ادامه دارد.

مکث

گران‌فروشی مدارس گردن‌گیر ندارد!

شهریورماه بود که وزیر آموزش و پرورش از شهریه‌های غیرجارچوب در مدارس غیردولتی انتقاد کرد و وعده پیگیری هم داد: «ما مدارسی که تخلف می‌کنند و با آبروی نظام تعلیم و تربیت بازی می‌کنند، برخورد خواهد شد.» حالا یک ماهی از سال تحصیلی گذشته و تعداد زیادی از شهریه‌های تعیین‌شده در این مدارس، بالاتر از نرخ مصوب هستند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، کار دارد بیخ پیدا می‌کند! اما گویا اقلیمی در رأس آموزش و پرورش هنوز متوجه وخامت اوضاع نشده‌اند که تصور می‌کنند صرف حرف زدن می‌توان مشکل را حل یا صورت مسئله‌اش را پاک کرد. شهریورماه بود که وزیر آموزش و پرورش از شهریه‌های غیرجارچوب در مدارس غیردولتی انتقاد کرد و وعده پیگیری هم داد: «ما مدارسی که تخلف می‌کنند و با آبروی نظام تعلیم و تربیت بازی می‌کنند، برخورد خواهد شد.» حالا یک ماهی از سال تحصیلی گذشته و تعداد زیادی از شهریه‌های تعیین‌شده در این مدارس، بالاتر از نرخ مصوب هستند. با وجود اینکه وزیر آموزش و پرورش به صراحت گفت مدارس غیردولتی باید شهریه‌های اضافی را برگردانند، اما هنوز این کار انجام نشده‌است. این به وضوح نشان می‌دهد که صرف گفتن «باید»، مسئولیت از دوش آموزش و پرورش برداشته نمی‌شود.

نمی‌توان پذیرفت، ارگانی که اتا این وسعت و مسئولیتی که نیاز به توضیح اهمیت آن نیست، صرفاً با گفتن جمله‌ای که ضمانت اجرایی ندارد شانه از زیر مسئولیت خالی کندا تمام وزرایی که تا به امروز در آموزش و پرورش حضور داشتند به خوبی از تعداد مدارس غیردولتی و شهریه‌هایی که گرفته می‌شود، باخبرند. در واقع نمی‌توانند باخبر نباشند، چراکه آن‌ها ارگان‌های زیر دست وزارت هستند و عنوان کردن بی‌اطلاعی از روند عملکرد آنها، عذر بدتر از گناه است، اما چطور می‌شود طی تمام این سال‌ها اقلیمی در وزارت آموزش و پرورش به غیرقانونی بودن شهریه‌های این‌چنین گزاف تأکید دارند و مدعی هستند مازاد دریافتی باید بازپرداخته شود، اما تا امروز ریالی به والدین برگردانده نشده‌است که اگر شده باید وزارت آموزش و پرورش اعلام کند مازاد دریافتی شهریه را از حساب کدام مدارس و به چه میزان برداشت و به حساب چه تعدادی از والدین واریز کرده‌است؟

پای کار آمدن سازمان تعزیرات در سال گذشته، این امید را به وجود آورده بود که مسئولیت آموزش و پرورش را قرار است سرانجام یکی از نهادهای نظارتی بر گردن بگیرد، اما حتی این اتفاق نیز نتیجه چندان مثبتی در پی نداشت که اگر داشت دیگر مدارس ماست‌های خود را کپسه کرده‌بودند. سازمان تعزیرات، اخذ شهریه مازاد بر تعرفه را مصداق «گران‌فروشی» دانست و پس از برگزاری جلسه با سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی اعلام کرد که آموزش و پرورش همکاری خوبی با آن‌ها ندارد! در نتیجه امروز و همچنان، درگیر باید و نپایدهایی هستیم که عمده‌شان در حد حرف باقی می‌ماند.

بسیاری از والدین با علم به میزان شهریه‌های گزاف، فرزندان خود را در مدارس غیردولتی ثبت‌نام می‌کنند، آن‌ها در بین انتخاب مدارس دولتی و غیردولتی، به هر دلیلی مدارس غیردولتی را برمی‌گزینند، اما قرار نیست به دلیل این انتخاب، هر آنچه را در می‌آورند، به حلقوم این مدارس بریزند. این دقیقاً همان چیزی است که آموزش و پرورش نیز بدان اشاره و تأکید دارد، اما از آنجا که اشاره آموزش و پرورش تنها زمانی است و تا امروز به مرحله اجرا نرسیده نتوانسته مدارس غیردولتی را بابت دریافت هزینه‌های گزاف شهریه قدمی به عقب برانند. مدارسی که دور نیست روزی که بابت همین دریافتی‌های بالا و قدرتی که از این رویه به دست می‌آورند، حتی برای آموزش و پرورش هم تعیین‌تکلیف کنند، فقط، چون دستشان به دهانشان می‌رسد.

تا دیروز اگر آموزش و پرورش به خاطر جیب خانواده‌ها پیش نگذاشته‌بود، امروز حداقل باید به خاطر حفظ استقلال خود نگاهی متفاوت به این داستان انداخته و راهکاری جدی بیندیشد. در غیر این صورت ریش و قیچی را تقدیم مدارس غیردولتی کرده‌است.